

## دکتر دنیل کی. دارکو، انجیل لوقا، جلسه ۲۷، تمثیل‌هایی درباره دعا، لوقا ۱۷:۲۰-۱۸:۱۷

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

من دکتر دنیل کی. دارکو و آموزه‌های او در مورد انجیل لوقا هستم. این جلسه شماره ۲۷، تمثیل‌هایی در مورد دعا، لوقا فصل ۱۷، آیه ۲۰ تا فصل ۱۸، آیه ۱۷ است.

به مجموعه سخنرانی‌های آموزشی شفا از طریق کتاب مقدس خوش آمدید.

در گفتگوی قبلی‌مان، با شفای ۱۰ جذامی صحبت‌م را به پایان رساندم. چند نکته را برجسته کردم و از ما خواستیم تا در مورد لزوم توجه به فقرا و افراد حاشیه‌نشین در میان خود فکر کنیم، همانطور که لوقا سعی کرد در روایت خود تا آنجا که به خدمت پادشاهی خدا مربوط می‌شود، بازگو کند. در اینجا، از فصل ۱۷ آیات ۲۰ تا ۲۱، به بررسی آمدن پادشاهی خدا می‌پردازیم.

این سخنرانی خاص بر دعاها، به ویژه دو تمثیل در مورد دعا، تمرکز خواهد داشت. امیدوارم با مرور این بخش، متوجه شوید که چگونه آموزه‌های عیسی به آرامی در حال تکمیل شدن است، در حالی که او برای ورود به اورشلیم آماده می‌شود. روایت لوقا ما را از این روایت سفر عبور می‌دهد و بسیار آهسته پیش می‌رود.

زمانی که به اواسط فصل ۱۹ می‌رسیم، لوقا شرح می‌دهد که چگونه عیسی وارد اورشلیم خواهد شد و روایت‌های مصائب آغاز می‌شوند. به موضوع پادشاهی آینده و تمثیل‌های ملموسی که عیسی برای تشویق شاگردان به پایبندی و استقامت در تعهدشان به تقوای لازم در پادشاهی خدا بیان می‌کند، توجه کنید. فصل ۱۷، آیه ۲۰، ۱۷.

وقتی فریسیان از او پرسیدند که پادشاهی خدا چه زمانی خواهد آمد، او به آنها پاسخ داد: پادشاهی خدا به شکلی که بتوان مشاهده کرد، نمی‌آید. و همچنین نخواهند گفت، اینجا یا آنجا را ببینید، زیرا پادشاهی خدا در میان شماست. با این حال، کاری که عیسی در اینجا سعی دارد در مورد فریسیان انجام دهد این است که آنها می‌خواهند بدانند پادشاهی خدا چه زمانی می‌آید.

و آنها وقتی به آمدن پادشاهی فکر می‌کنند، چیزهای خاصی را در ذهن دارند. آنها احیای قلمرو سلسله داوود را در ذهن دارند، جایی که صلح حکمفرما خواهد بود، جایی که قوم خدا خود را اداره خواهند کرد، و جایی که پسر انسان ظهور خواهد کرد، و آنها این بیگانگان را بر سیستم حاکم نخواهند داشت. فریسیان این انتظارات را دارند و گاهی اوقات، وقتی سوالات خود را مطرح می‌کنند، از خود می‌پرسند که آیا با پادشاه آینده، مسیح، سر و کار دارند یا خیر.

عیسی چیزی به آنها می‌گوید که توجه را به خود و رسالتش جلب می‌کند. چیزی در مورد سؤالی که در مورد صحبت فریسیان در مورد زندگی ابدی و از این قبیل مسائل مطرح می‌شود، زیرا تمام چیزهایی که آنها در آنجا می‌پرسند کاملاً غیرمعمول است. می‌بینید، عیسی خاطرنشان می‌کند که زمان پادشاهی که آنها درخواست می‌کنند به آنچه که آنها پادشاهی را درک می‌کنند، محدود نیست.

پادشاهی به عنوان سلطنت خدا فرا می‌رسد. سلطنت خدا بر قلب‌ها و ذهن‌های مردم. سلطنت خدا زمانی فرا می‌رسد که مردم به آموزه‌های مسیح گوش فرا دهند و آن را بپذیرند و بپذیرند.

سلطنت خدا زمانی فرا می‌رسد که مسیح اسیران، بیماران و خسته‌گان، مطرودان و به حاشیه رانده‌شدگان را آزاد و رها می‌سازد. پادشاهی خدا زمانی فرا می‌رسد که امید به ناامیدان بازگردانده شود.

همانطور که قبلاً در این مجموعه سخنرانی‌ها به یاد دارید، من در آنچه که آن را مانیفست ناصری می‌نامم، زمانی را که عیسی گفت، برجسته کردم: پادشاهی خدا، روح خدای زنده بر من است، و او مرا مسح کرده است. پادشاهی خدا با آشکار شدن این مطالب فرا می‌رسد. اما فریسیان انتظار داشتند که این یک بازه زمانی خاص برای تحقق این امر باشد.

در پاسخ، عیسی به آنها فهماند که پادشاهی خدا مطابق انتظارات آنها نخواهد آمد. آنها واقعاً باید بدانند که پادشاهی خدا در میان آنهاست. پادشاهی خدا از قبل در حال اجرا است.

و در حضور آنها شواهدی وجود دارد که به آنها نشان می‌دهد پادشاهی خدا اینجاست. به عبارت دیگر، آنچه تاکنون از عیسی در دوران رسالتش دیده‌اند و آنچه در حال وقوع می‌بینند، تجلی پادشاهی خداست. گویی پرسش پادشاهی خدا پرسش اشتباهی است که آنها مطرح کرده‌اند.

شما فقط سعی می‌کنید به آنها یادآوری کنید، می‌دانید، پادشاهی آینده. این دقیقاً چیزی نیست که شما به آن فکر می‌کنید. شاید بخواهید چیزی در مورد پسر انسان بدانید. شاید، می‌دانید، پس اگر به پادشاه فکر می‌کنید، مسیح که به عنوان یک پادشاه می‌آید، او توضیح می‌دهد که او اینجا در میان شماست.

شما اعمال و کردار او را می‌بینید که این را تأیید می‌کند. اما بیایید به نکته‌ی دیگری که او ادامه خواهد داد نگاه کنید. نگاهی بیندازیم. اکنون توجه او را به شاگردان معطوف می‌کند.

و تقریباً از موضوع پادشاهی آینده پسر انسان منحرف شد. و من خواندم. و او به شاگردان گفت: روزهایی می‌آید که آرزو خواهید کرد یکی از روزهای پسر انسان را ببینید.

و تو آن را نخواهی دید. و آنها به تو خواهند گفت، نگاه کن، آنجا را نگاه کن، یا اینجا را نگاه کن. برای دنبال کردن آنها بیرون برو.

زیرا همانطور که رعد و برق می‌درخشد و آسمان را از این سو تا آن سو روشن می‌کند، پسر انسان نیز در روزگار خود چنین خواهد بود. اما اول باید رنج‌های بسیاری بکشد و از سوی این نسل طرد شود، همانطور که در روزگار نوح چنین بود. در روزگار پسر انسان نیز چنین خواهد بود.

آنها تا روزی که نوح وارد کشتی شود و سیل بیاید و همه آنها را نابود کند، خواهند خورد و خواهد آشامید و ازدواج خواهند کرد و شوهر خواهند داد. همانطور که در روزگار لوط بود. آنها می‌خوردند و می‌نوشیدند، خرید و فروش می‌کردند، می‌کاشتند و می‌ساختند.

اما در روزی که لوط از سدوم بیرون رفت، آتش و گوگرد از آسمان بارید و همه را نابود کرد. پس آیا در روزی که پسر انسان ظهور کند، چنین خواهد بود؟ در آن روز، کسی که در خانه‌اش دارایی دارد، نباید برای بردن آنها فرود آید.

و همچنین، کسی که در مزرعه است، برنگردد. زن لوط را به یاد داشته باشید. هر که بخواهد جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد، اما هر که جان خود را از دست بدهد، آن را حفظ خواهد کرد.

می‌توانم به شما بگویم، شب‌ها دو تخت در یک تخت خواهد بود. یکی برداشته می‌شود و دیگری می‌ماند. دو زن با هم مشغول آسیاب کردن خواهند بود.

یکی برداشته خواهد شد و دیگری رها خواهد شد. و آنها از او پرسیدند، کجا، کجا ای خداوند؟ او به آنها گفت که جسد کجاست، و آنجا کرکس‌ها جمع می‌شوند. هر جا که عمل باشد، مردم به آن جذب می‌شوند.

جایی که اتفاقات در حال رخ دادن است، در آنجا شاهد وقوع اتفاقات خواهید بود. اجازه دهید به سرعت شش نکته از این متن را برجسته کنم، همانطور که در مورد آمدن پسر انسان، همانطور که عیسی در این روایت روایت می‌کند، فکر می‌کنیم. اول، پسر انسان شخصیتی در ادبیات آخرالزمانی یهود است که برای بازگرداندن، یک بازگشت نهایی به قوم خدا، و برای بازگرداندن پادشاهی خدا، پادشاهی داوود، همانطور که آنها آن را درک می‌کردند، خواهد آمد.

در کتاب اعمال رسولان، فصل ۱، آیه ۳ یا آیه ۴ یا چیزی شبیه به آن، به یاد دارید که شاگردان وقتی درباره آمدن پسر انسان صحبت می‌کردند، درباره پادشاهی اسرائیل صحبت می‌کردند. او گفت که پسر انسان باید رنج بکشد و پسر انسان توسط این نسل طرد خواهد شد. رنج و طرد شدن، نمونه‌ای از کار پسر انسان خواهد بود.

به عبارت دیگر، پسر انسان یک ابرقهرمان مصون از رنج و مصون از طرد شدن توسط انسان نیست. سوم، آمدن پسر انسان ناگهانی خواهد بود. غیرمنتظره خواهد بود.

اگر مردم همانطور که فریسیان قبلاً پرسیدند منتظرند، شاید برای شنیدن حرف شاگردان، اگر فکر می‌کنند که آمدن پادشاهی خدا باید در یک بازه زمانی مورد انتظار آنها باشد، شاید آنچه که آنها به آن اشاره می‌کنند آمدن پسر انسان و اشاتون باشد، اما این بسیار ناگهانی و غیرمنتظره خواهد بود. در تاریخ یهود نمونه‌هایی وجود دارد که آنها به یاد بیاورند که این چقدر ناگهانی خواهد بود، و اگر آنها این را درک می‌کردند، شاید در آمادگی مداوم برای آمدن پسر انسان می‌بودند. او گفت، زمان نوح را به یاد داشته باشید.

می‌بینید، آن زمان ناگهان فرا رسید. مردم آماده نبودند. مردم از برخی چیزهای مادی لذت می‌بردند و فقط به این فکر می‌کردند که قرار است تا ابد خوش بگذرانند و خوش بگذرانند.

و سپس ناگهان، سیل آمد. عذاب خدا نازل شد. و کسانی که آماده نبودند، هلاک شدند.

آماده‌اید؟ اگر می‌توانید در این مرحله از پیشینه‌ی خدمت یا آموزه‌های عیسی بشنوید. وقتی او در مورد آمدن پسر انسان صحبت می‌کند، از یک پیشینه‌ی اولیه‌ی دیگر از سنت یهودی، یعنی روزگار لوط، استفاده می‌کند. او گفت که مردم می‌خورند، می‌نوشیدند، می‌خریدند، می‌فروختند، می‌کاشتند و می‌ساختند.

و سپس غافلگیری از راه رسید. غافلگیری به شکل گوگرد و آتش از راه رسید. می‌بینید، با صدای عیسی، اگر شما یک یهودی هستید که همه اینها را درک کرده‌اید و به آمدن پسر انسان گرایش دارید، او از شما می‌پرسد، آیا آماده‌اید؟ آیا می‌دانید که چگونه باید همیشه آماده باشید زیرا زمان می‌تواند اکنون باشد و می‌تواند بسیار ناگهانی باشد؟

آمدن پسر انسان. عیسی به اورشلیم می‌رود و آنها خیلی خیلی نزدیک می‌شوند. همینطور که نزدیک می‌شوند، او توجه را به آنچه قرار است اتفاق بیفتد جلب می‌کند.

او درباره رنج، طرد شدن، نیاز به انتظار مداوم و آمادگی همیشگی صحبت می کند. ما نمی دانیم در ذهن شاگردان چه می گذشته است. اما او بخش بسیار مهمی از شاگردی را به آنها یادآوری خواهد کرد.

بخش مهمی که به تقوای آنها مرتبط است، ارتباط آنها با پدر آسمانی است. عیسی در ادامه دو تمثیل در مورد دعا برای آنها تعریف می کند. دعا چیزی است که فکر می کنم به عنوان یک مسیحی مدرن، باید قبل از ادامه، در اینجا مکث کنم و چیزی بگویم.

دعا یکی از چیزهایی است که باید جدی بگیریم. اما به شما می گویم که دعا چه چیزی نیست. و به زوجها نگاه کنید.

دعا شعر قشنگی نیست که کسی برای لذت بردن همه بخواند. همچنین وقتی آن را می خوانند، شما می گوید، اوه، چه دعای زیبایی. وقتی کشیش بودم، به جماعت می گفتم، اگر قرار است معمار دعا باشید و وقتی آن را می خوانید آنقدر زیباست که مردم می گویند، وای، چه دعای فوق العاده ای.

فکر می کنم باید بفهمی داری چه کار می کنی. تو شاعر خوبی هستی. تو دعا نمی کنی.

و به زوجها نگاه کنید. دعا چیزی است که در حضور خدا، زندگی، در جریان است. لازم نیست نگران جزئیات باشید.

اما حالت بدن مهم است. حالتی که در آن دعا می کنید مهم است. این ساخت و ساز یک معمار کلمه نیست، بلکه حالتی است که با آن در مقابل خدا می ایستید و اینکه چقدر در درک خود از دعا پافشاری می کنید که می گوید، من مدام به سراغ خدا خواهم آمد و از او درخواست خواهم کرد زیرا این خدایی را می شناسم که علاقه قلبی من را دارد.

دو تمثیل. با مرور این دو تمثیل، توجه کنید که چگونه آنها را اینگونه نامگذاری کردم. من آنها را تمثیل هایی از وضعیت صحیح بدن در هنگام دعا می نامم.

تمثیل هایی برای وضعیت صحیح بدن در هنگام دعا. اگر مایل باشید، پی پی پی. منظور لوقا این است که وضعیت شما در هنگام دعا چگونه است؟ لطفاً در ادامه ی این مطلب، فصل های ۱۸، ۱ تا ۱۴ را مطالعه کنید. لوقا در حین روایت این دو تمثیل، توجه ما را به چند نکته جلب می کند.

اولاً، این دو مثل فقط در لوقا آمده اند. این نکته را از نظر دور ندارید. آنها در هیچ یک از انجیل های دیگر یافت نمی شوند.

این برخلاف لوقا فصل ۱۱ است که در آن عیسی قرار است به ابتکار خودش دعا را آموزش دهد. نکته - دیگری که باید در این دعا به آن توجه کنید، همان چیزی است که لوقا از فصل ۱۶ به آن پرداخته است. تأکید بر مطرود.

شخصیت های کلیدی در این تمثیل، یک بیوه و یک باجگیر خواهند بود. سپس، خواهید دید که زمینه این دعا بسیار مهم است. یکی از آنها یک محیط اجتماعی است که در آن شخصی در زندگی روزمره خود به دنبال عدالت است.

و یکی در چارچوب معبد است، جایی که تجلی والای تقوا باید اتفاق بیفتد. اگر بخواهم آنچه را که در این مباحث آشکار خواهد شد خلاصه کنم، آن را در تصویری که روی صفحه دارید قرار می دهم. این یک

پافشاری به عنوان یک حالت دعا خواهد بود، همانطور که عیسی در تمثیل قاضی ظالم توجه ما را به آن جلب می‌کند.

و مورد دوم، حالت فروتنی است، همانطور که عیسی مثل یک فریسی و یک باجگیر در معبد را بیان می‌کند آمدن پادشاهی خدا به نیاز مردم برای آمادگی برای پادشاهی آینده بستگی دارد. آمادگی همچنین مستلزم ویژگی‌های خاصی است که فرد باید در درک خود از خدا، در ارتباط خود با خدا و همچنین در رابطه و نگرش خود نسبت به دیگران پرورش دهد.

آموزه‌های دعا این دو حوزه را به شیوه‌ای بسیار بسیار واضح در بر می‌گیرد تا پایداری در تعامل با خدا و فروتنی در نگرش نسبت به دیگری را درک کنیم. بیایید نگاهی سریع به اولین مثل، یعنی مثل قاضی ظالم و بیوه زن، بیندازیم. و او مثلی به آنها گفت با این مضمون که آنها باید همیشه دعا کنند و دلسرد نشوند.

او گفت که در شهری، قاضی‌ای بود که نه از خدا می‌ترسید و نه به مردم احترام می‌گذاشت. و در آن شهر، بیوه‌ای بود که پیوسته نزد او می‌آمد و می‌گفت: «به داد من در برابر دشمنم برسید.» مدتی، او امتناع ورزید اما پس از آن، با خود گفت: «اگرچه من نه از خدا می‌ترسم و نه به مردم احترام می‌گذارم، اما چون این بیوه «مدام مرا آزار می‌دهد، به دادش می‌رسم تا مرا تحمل نکند، مرا کتک نزند»

تقریباً مثل این است که او با آمدن مداومش مرا کتک نخواهد زد یا حتی به من توهین نخواهد کرد. و خداوند گفت، بشنوید که قاضی ظالم چه می‌گوید. ۷ و آیا خدا به برگزیدگان خود که شبانه‌روز به درگاه او فریاد می‌زنند، عدالت نخواهد داد؟ آیا او در مورد آنها تأخیر خواهد کرد؟ به شما می‌گویم، او به سرعت به آنها عدالت خواهد کرد.

با این وجود، وقتی پسر انسان می‌آید، موتیف آمدن پسر انسان را به یاد داشته باشید: آیا او ایمان را بر روی زمین خواهد یافت؟ عیسی در ادامه توجه ما را جلب می‌کند و حالت و شخصیت یک قاضی و یک بیوه را در مقیاس قرار می‌دهد. در اینجا، می‌خواهم کمی وقت بگذارم تا چند نکته در مورد قاضی و بیوه را بررسی کنم. پایان مثل این سؤال را می‌پرسد که آیا پسر انسان ایمان را خواهد یافت؟ آیا پسر انسان، آمدن پسر انسان، آیا در میان قوم خود ایمان خواهد یافت؟ آیا او در میان مردمی که به ثمر رسیدن پشتکارشان اعتماد دارند، ایمان خواهد یافت؟ به تصویر یک قاضی و تصویر بیوه که قرار است الگوی این باشد، فکر کنید.

اما تا زمانی که جایگاه قاضی را درک نکنیم، نمی‌توانیم جوهره آنچه را که بیوه زن بیان می‌کند، درک کنیم. می‌بینید، در این تمثیل از قاضی نامی برده نشده است. او قاضی‌ای است که قرار است به پرونده‌های خود رسیدگی کند.

این یکی از آن کلمات انگلیسی است که برای تلفظش باید یادداشت کنم. تمام نقش او اجرای عدالت است. اگر قاضی هستید، وظیفه شما اجرای عدالت است.

توجه کنید که در اینجا به ما گفته شده است که او هیچ پایبندی به تقوا ندارد. قاضی مورد بحث نه از خدا می‌ترسد و نه از انسان. او کمتر اهمیت می‌دهد.

آیا پژواک امثال باب ۱ آیه ۷ را به خاطر نمی‌آورید؟ ترس از خدا آغاز حکمت است. این مرد از هیچ‌کس نمی‌ترسد. او از خدا نمی‌ترسد.

به طور واضح بیان کنید. اول، عیسی در این مثل می‌گوید که قاضی از خدا نمی‌ترسد. و در این مثل، عیسی این را تکرار می‌کند.

قاضی با خودش می‌گوید، هرچند من از خدا نمی‌ترسم. انگار مرد عاقلی است. قطعاً، نکته را نفهمیده است.

نکته‌ی دیگری که باید ببینید این است که وقتی می‌گوید هیچ احترامی برای بشریت قائل نیست. باید این را در جامعه‌ی آبرو و شرم بدانید. چیزی که لوک به شما القا می‌کند این است که او هیچ حس شرم عمومی ندارد.

او از واکنش‌های عمومی نمی‌ترسد. او از طرد شدن از اجتماع، برداشت بد اجتماعی یا تصویر بد عمومی نمی‌ترسد. او کمتر اهمیت می‌دهد.

درک کنید که این قاضی ظالم و بی‌خدا است. به سرپیچی او در این تمثیل توجه کنید. می‌بینید، او قانون را چیزی نمی‌دانست که باید از آن پیروی کرد.

او با خودش تکرار می‌کند که چه کاری را انجام نخواهد داد. قاضی صرفاً تمایلی به اجرای عدالت برای افراد آسیب‌پذیر جامعه نداشت. شما باید زمینه‌ی این تمثیل را به عنوان یک محیط یهودی درک کنید.

جایی که متون مقدس یهودی بارها و بارها طنین‌انداز می‌شوند، نیاز به مراقبت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه وجود دارد. بیگانگان، بیوه زنان و امثال آنها.

و نیاز به کسی مثل این که فقط نقش خود را قضاوت و درک کند. و کاری را که قرار است انجام دهد، انجام دهد. بگذارید خاطره تثنیه ۲۴، آیه ۱۷ را برایتان تازه کنم.

که می‌گوید به خاطر غریبان یا یتیمان، عدالت را منحرف مکن. یا جامه بیوه زنان را به گرو مگیر. بلکه به یاد داشته باش که در مصر برده بودی.

و خداوند، خدای تو، تو را از مرگ رهایی بخشید. بنابراین، من به تو دستور می‌دهم که این کار را انجام دهی. این یکی از این قوانین است.

- در تثنیه ۲۷ آیه ۱۹ آمده است: «کسی نمی‌تواند عدالت را در حق غریب - یعنی غریب، یتیمان و بیوه‌زنان - منحرف کند.»

و همه مردم آمین خواهند گفت. این کاری است که قاضی انجام نمی‌دهد. مزمور ۱۴۶ آیه ۹ می‌گوید

خداوند از غریبان مراقبت می‌کند. او از بیوه‌زنان و یتیمان حمایت می‌کند. اما راه شیران را به تباهی می‌کشاند.

این کاری نیست که قاضی انجام می‌دهد. درک کنید که اصول اولیه‌ی کاری که یک نفر با افراد آسیب‌پذیر مانند یک بیوه در جامعه، انجام می‌دهد، نادیده گرفته می‌شود. این بیماری قلبی قاضی بود که اینجا خودش را نشان خواهد داد.

عیسی تصویری را خلق خواهد کرد که اگر چنین شخصی را ببینید و حس بی‌عدالتی‌ای را که آن شخص می‌تواند مرتکب شود، ببینید، باز هم کسی را پیدا خواهید کرد که ایمان داشته باشد.

که اگر فقط به غر زدن سر این یارو ادامه بده، شاید عدالت رو پیدا کنه. مگه نمی‌دونی که خدا برعکس اینه؟

و اینکه دعای مداوم شما نتیجه خواهد داد. ببینید، من معمولاً در سخنرانی‌های عمومی شرکت می‌کنم. دوست ندارم از کتاب‌های جعلی یا کتاب‌های شبه‌شعری و از این قبیل نقل قول کنم.

بعضی وقت‌ها، حتی وقتی آنها را با خودم می‌آورم، در کلاس درس خودم هم با سؤالاتی مواجه می‌شوم. اما می‌دانید که کتاب جعلی به نام شربت. ۳۵، ۱۶ می‌گوید.

کسانی که از قانون می‌ترسند، داوری را خواهند یافت. و عدالت را همچون نوری خواهند افروخت. این تمثیل دعای مداوم، نکات بسیاری را از من فرا می‌خواند.

و چیزی که من در متن می‌بینم، قاضی‌ای است که کمتر به افراد آسیب‌پذیر اهمیت می‌دهد. و نیاز است که ما واقعاً نگاهی به برخی از این موارد در آموزه‌های عیسی بیندازیم. اما مبادا بر قاضی ظالم تأکید کنیم.

می‌خواهم به شما یادآوری کنم که تمرکز عیسی بر بیوه زن است. و بفهمید که چرا او در اینجا بیوه زن را به تصویر می‌کشد. و چرا باید بیوه زن را جدی گرفت.

وقتی در این روایت خاص به بیوه نگاه می‌کنید، بیوه عضو مشروع حوزه قضایی قاضی است. به ما گفته شده که بیوه اهل آن کشور است.

به عبارت دیگر، او از جایی که قاضی بگوید نمی‌آید. پرونده شما خارج از حوزه قضایی من است. همچنین متوجه شدید که این بیوه چه درخواستی داشت.

او درخواست عدالت داشت. این یک لطف ویژه نیست. بیوه فقط درخواست رفتار منصفانه دارد.

یا داوری عادلانه. یا حکم عادلانه. این بیوه است.

اما می‌بینید، عیسی با روشی که این تصویر را می‌سازد، در این تمثیل به ما می‌فهماند که قاضی صرفاً به این دلیل که هیچ درکی از تقوا یا عدالت ندارد، تمایلی به این کار نشان نداده است.

پافشاری این بیوه زن، قاضی را حسابی به دردسر می‌اندازد. قاضی تصمیم خواهد گرفت که آیا به این بیوه رسیدگی کند یا نه. ممکن است به دردسر بیفتد.

کلمات فنی در دعای بیوه. من آن را بسیار جالب می‌دانم. او به دنبال تبرئه شدن است.

او به دنبال اثبات بی‌گناهی خود است. او به دنبال اثبات بی‌گناهی خود از طریق توصیف او از طرف مقابل است. این طرف می‌تواند شاکی باشد، کسی که او را به دادگاه کشانده است، یا کسی که سعی دارد در برابر او از خود دفاع کند.

اما به ما گفته شده که عدالت خدا برای آسیب‌پذیران قطعی است. و نکته‌ی اصلی که عیسی در این تمثیل به آن اشاره می‌کند این است که خدا منصف و عادل است.

خداوند مایل است کسانی را که به درگاهش فریاد می‌زنند بشنود. گاهی اوقات در دعا ممکن است به نظر برسد که او نمی‌شنود. از نظر ما ممکن است به نظر برسد که او در حال تأخیر است.

دعای مداوم نتیجه‌ای را که خداوند به ارمغان خواهد آورد، به همراه خواهد داشت. و دوستان، بگذارید به شما یادآوری کنم. اغلب اوقات، متوجه خواهید شد که مردم آماده اجرای عدالت نیستند.

اما در همان لحظه، دلتان می‌خواهد سخنان عیسی را در مورد این بیوه به یاد بیاورید. حتی اگر قاضی هم قبول نکند، اگر با پشتکار و دعا به خدا متوسل شوید، خدا واقعاً خواهد شنید. آه، چقدر آرزو می‌کنم دنیا جای عادلانه‌ای باشد.

اینطور نیست. آه، چقدر آرزو می‌کنم که بیشتر افرادی که حتی ادعای مسیحی بودن دارند، مشتاق اجرای عدالت باشند. اما اینطور نیست.

برخی از شما بی‌عدالتی را متحمل خواهید شد. برخی از شما مسیحیانی هستید که از بی‌عدالتی در دست غیرمسیحیان رنج خواهید برد، اما انجیل را در کشورهای که با مسیحیت دشمنی دارند، موعظه می‌کنید. برخی از شما مسیحیانی هستید که در میان مسیحیانی که بی‌عدالتی می‌کنند، کار و زندگی می‌کنید.

عیسی نمی‌خواهد شما به خود قاضی ظالم توجه کنید. او می‌خواهد تصویر قاضی ظالم را در مقابل خدای عادل، خدای راغب و خدای دلسوز قرار دهید. و شما را تشویق می‌کند که وقتی اجابت دعایتان به کنده صورت می‌گیرد، حالت پافشاری را در پیش بگیرید.

خدا می‌شنود. خدا حکم را صادر خواهد کرد. خدا عدالت را برای شما اجرا خواهد کرد.

خداوند شما را بی‌پاسخ نخواهد گذاشت. در دعا پافشاری کنید. این حالت، حالت بسیار مهمی در دعا است، زیرا خداوند می‌شنود.

خدا زمان مناسب برای اجابت دعا را می‌داند. خدا ممکن است دعا را به روشی که انتظارش را ندارید، اجابت کند. خدا ممکن است با نحوه‌ی اجابت آن دعا، شما را شگفت‌زده کند.

ممکن است خدا خیلی ساکت به نظر برسد، حتی اگر این پاسخ دعای شما باشد. بله، اما خدا همچنان آنجا خواهد بود و عدالت را اجرا خواهد کرد. لطفاً انتظار نداشته باشید که همه جا در اطرافتان عدالت برقرار باشد.

بگذارید اینطور بگویم. انتظار عدالت نداشته باشید؛ انتظار داشته باشید که خدای عادل حتی وقتی اوضاع خوب پیش نمی‌رود، از راه برسد. جامعه تمام تلاش خود را خواهد کرد، اما جامعه پر از افرادی است که با انواع موقعیت‌هایی که امکان بی‌عدالتی را فراهم می‌کنند، دست و پنجه نرم می‌کنند.

اما خدای عادل با پافشاری شما از راه خواهد رسید. به قول عیسی، خداوند فرمود: «بشنوید که قاضی ظالم چه می‌گوید، و آیا خدا به برگزیدگان خود عدالت خواهد داد؟ آیا خدا به برگزیدگان خود که شبانه‌روز به درگاه او فریاد می‌زنند، عدالت نخواهد داد؟ آیا او برای آنها مدت زیادی تأخیر خواهد کرد؟ به شما می‌گویم، او به سرعت به آنها عدالت خواهد داد. با این وجود، وقتی پسر انسان بیاید، آیا ایمان را بر روی زمین خواهد یافت؟ آنچه خدا پاسخ می‌دهد این است که خدا مانند آن قاضی منتظر نخواهد ماند.»

ممکن است خدا این پاسخ را به شما بدهد. اما سوال این است که آیا ایمانی دارید که به آن خدا اعتماد کنید؟ وقتی پسر انسان بیاید، آیا ایمان پیدا خواهد کرد؟ وقتی پسر انسان بیاید، بگذارید این کلمه را به

صورت دیگری ترجمه کنم. آیا او به شما اعتماد پیدا خواهد کرد؟ وقتی پسر انسان بیاید، آیا شما را وفادار خواهد یافت؟ در جایگاه خود و با او همراه خواهد شد؟ عیسی در ادامه مثل دیگری می‌گوید.

او می‌گوید این مثل فریسی خراجگیر است که هنوز در حال دعا و در حالت دعا است. او همچنین این مثل را گفت، به برخی که به خود اعتماد داشتند که پارسا هستند و با دیگران با تحقیر رفتار می‌کردند، درست نگاه کنید. دو مرد برای دعا به معبد رفتند.

یکی فریسی است و دیگری باجگیر. فریسی، در حالی که تنها ایستاده بود، چنین دعا کرد: خدایا، تو را شکر می‌کنم که من مانند دیگران، گناهکار، ظالم، زناکار یا حتی مانند این باجگیر نیستم. من هفته‌ای دو بار روزه می‌گیرم، از هر چه دارم، از هر چه به دست می‌آورم، ده یک می‌دهم.

اما آن باجگیر که دور ایستاده است، حتی چشمان خود را به سوی آسمان بلند نمی‌کند، بلکه بر سینه خود می‌کوبد و می‌گوید: خدایا، بر من گناهکار رحم کن. به شما از زبان عیسی می‌گویم که این مرد، خواه ناخواه عادل شمرده شده به خانه‌اش رفت. هر که خود را بزرگ جلوه دهد، خوار خواهد شد.

زیرا کسی که خود را فروتن کند، سرافراز خواهد شد. اجازه دهید توجه شما را به برخی ویژگی‌های غیرمعمول جلب کنم. این تنها مثلی است که در آن عیسی از یک فریسی نام می‌برد.

حالا اگر شما یک فریسی هستید که این طرف و آن طرف می‌روید، یا حداقل تنها کسی که من به خاطر می‌آورم، اگر شما یک فریسی هستید، این خبر خوبی نیست. عیسی نمی‌گوید، هی شما فریسی‌ها، این طرز رفتار شماست. اما اگر به شخصیت این تمثیل نگاه کنید، تقریباً شبیه چیزهایی است که او تمام این مدت در مورد فریسی‌ها صحبت می‌کرد.

به ما گفته شده است که گاهی اوقات هنگام نگاه کردن به پرتله لوقا، با فریسیان صحبت خواهید کرد و سپس برمی‌گردید و با شاگردان صحبت می‌کنید. بنابراین، تصور کنید که برخی از فریسیان در میان حضار به عیسی گوش می‌دهند و می‌گویند: سلام بچه‌ها، بگذارید یک مثل برایتان تعریف کنم. یک فریسی و یک باجگیر بودند، خبر خوبی نبود.

به تصویر این دو با دقت نگاه کنید. و ببینید که چگونه او به انتقاد از خودپسندی‌ای می‌پردازد که قرار نیست در میان پیروان پیام او دیده یا به نمایش گذاشته شود. در اینجا به حالت فریسی توجه کنید.

او با اینکه درباره خدا صحبت می‌کرد، با خودش دعا می‌کرد. به ما گفته شده که او خواهد گفت که مانند دیگران نیست. او غرق در خودبزرگ‌بینی است.

خودپسندی و خود-توجهی. با این حال، او در معبد، مکانی که حضور خدا در آن ساکن است، ایستاده بود. تا تأکید کند و برجسته کند و نشان دهد که جایگاه اجتماعی او نسبت به دیگران چیست. چه شرم‌آور است.

عیسی در این مثل می‌گوید که فریسی خطاب به خدا صحبت می‌کند، اما مضمون فریاد او درباره خودستایی است. اما به طرز ایستادن باجگیر توجه کنید. او آنقدر احساس بی‌ارزشی می‌کرد که دور ایستاد.

او آنقدر احساس فروتنی می‌کرد که از نظر فرهنگی، به خدا نگاه نمی‌کرد. حال، شاید باید اینجا مکث کنم تا برخی از مسائل فرهنگی را روشن کنم. برای آن دسته از شما که در کشورهای غربی نیستید، اجازه دهید در این مجموعه، برخی از مسائل فرهنگی را روشن کنم.

در بیشتر کشورهای غربی و به ویژه در آمریکا، اعتقاد بر این است که وقتی با کسی صحبت می‌کنید و حقیقت را به او می‌گویید، باید به چشمان او نگاه کنید. این دقیقاً همان چیزی است که فرهنگ‌ها کار می‌کنند. برخی از کشورهای اروپایی نیز این را پذیرفته‌اند.

آمریکا، به طور خاص، در این مورد بسیار بسیار سخت‌گیر است. به همین دلیل است که برخی افراد در دادگاه مجرم شناخته شده‌اند، در حالی که نمی‌توانستند به چشم قاضی یا هیئت منصفه یا متهم نگاه کنند. این با اکثر فرهنگ‌های جهان بسیار بسیار متفاوت است.

ما داریم به چشمان کسی نگاه می‌کنیم که در واقع حالت خصمانه‌ای دارد. ما داریم به چشمان کسی نگاه می‌کنیم که حالت تهاجمی‌اش را به عنوان راهی برای ارباب منتقل می‌کند. ما داریم به کسی نگاه می‌کنیم که در واقع تمایل به ارباب آن شخص را القا می‌کند.

این موضوع در آمریکا کاملاً متفاوت از برخی کشورهای اروپایی است. با توجه به این مشاهدات فرهنگی، تمثیل عیسی در شرایطی است که شما به فردی با فروتنی واقعی نگاه نمی‌کنید. شما به چشمان فرد نگاه نمی‌کنید زیرا این کار پرخاشگرانه خواهد بود.

می‌بینید، اینجا این مأمور مالیات را می‌بینیم که با فروتنی و شرمساری به گناهکار بودن خود اعتراف می‌کند. حالت مناسب در آن زمان و اکنون در اکثر کشورهای خاورمیانه، پایین انداختن سر است که به وضوح حس شرم و خجالت شدید، یک حس پشیمانی واقعی را منتقل می‌کند، و حالت دیگر که واقعاً دور ایستاده است، حتی این حس را تشدید می‌کند که او از اینکه اینقدر بد عمل کرده، بسیار متأسف است. اگر دوست دارید، او همه چیز را خراب کرده است.

او به کسی که به او بدی کرده زیاد نزدیک نمی‌شود. او به چهره کسی که به او بدی کرده، یعنی خدا، نگاه نمی‌کند. می‌بینید، اما فریسی مثل این کار را نمی‌کند.

به خودش برمی‌گردد. او کاملاً درست خدا را خطاب قرار می‌دهد. و می‌گوید، نگاه کن، با چشمان باز، حتی به باجگیر نگاه می‌کند و می‌گوید، من مثل این مرد نیستم.

یک ژست خیلی خیلی متکبرانه. ژست خیلی خیلی نامناسب، حتی وقتی با یک فرد معمولی سر و کار دارد. او در ادامه می‌تواند تقوای خود را طوری مطرح کند که انگار این باید برای او امتیازی برای شنیده شدن باشد.

خدایا، آیا می‌دانی که من از همه این افراد بهترم؟ و ضمناً، آیا می‌دانی که من بیشتر نماز می‌خوانم و روزه می‌گیرم؟ آیا این را می‌دانی؟ آیا متوجه هستی که من از درآمدم یا هر چه که به دست می‌آورم، ده یک می‌دهم؟ اما می‌بینی، این باجگیر را می‌بینی که برای رحمت فریاد می‌زند، برای بخشش فریاد می‌زند. عیسی گفت: بگذارید همه بدانند که این باجگیر عادل شمرده شده به خانه رفت. او پشیمان بود.

او توبه کرده بود. اما مهم‌تر از همه، روحیه‌ای که او از خود نشان می‌دهد در دو آیه آخر این مثل خلاصه شده است. او فروتن شده بود، چیزی که عیسی می‌گوید، هر که خود را مانند فریسی بزرگ کند، فروتن و کاملاً تحقیر خواهد شد.

اما کسی که خود را فروتن کند، سرافراز خواهد شد. به گفته لوک تیموتی جانسون، برای لوک، دعا ایمان در عمل است. دعا یک تمرین اختیاری در تقوا نیست.

برای نشان دادن رابطه فرد با خدا انجام می‌شود. این رابطه با خداست. بنابراین، نحوه دعا کردن فرد، آن رابطه را آشکار می‌کند.

حالتی که فرد در دعا به خود می‌گیرد، آن رابطه را شکل می‌دهد. بنابراین، می‌توانم پرسیم، حالت شما در مقابل خدا چگونه است؟ من مسیحیان زیادی را دیده‌ام که دعا می‌کنند تا اطرافیان خود را تحت تأثیر قرار دهند. همچنین کسانی را دیده‌ام که برای نشان دادن مهارت‌های شاعرانه خود، از دعا به صورت تار و پود استفاده می‌کنند.

اما نکته اینجا اصلاً این نیست. فقط به حالت پافشاری به عنوان بیوه و فروتنی به عنوان باجگیر اشاره می‌کند. سپس او به تصویر کشیدن جایگاه فرزندان در پادشاهی خدا ادامه می‌دهد.

لوقا در ادامه‌ی این دو مَثَل دعا می‌نویسد، اکنون حتی نوزادان را نزد او می‌آوردند تا آنها را لمس کند. و وقتی شاگردان این را دیدند، آنها را سرزنش کردند. اما عیسی آنها را نزد خود خواند و گفت: «بگذارید کودکان نزد من بیایند».

زیرا مانع ایشان مشوید. زیرا پادشاهی خدا از آن چنین کسانی است. به راستی به شما می‌گویم، هر که پادشاهی خدا را مانند کودک نپذیرد، وارد آن نخواهد شد.

اجازه دهید برای جمع‌بندی این سخنرانی، چند نکته‌ی سریع بیان کنم. اول چیزی است که من آن را مشاهدات عیسی و کودکان می‌نامم، که همان مسائل پیش‌زمینه‌ی اجتماعی-فرهنگی است. شما باید از پیشینه‌ی فرهنگی آگاه باشید.

این چیزی است که باید با خواندن این تمثیل فرض کرد. اینکه کودکان یا نوزادان در جامعه‌ای که کودکان به راحتی می‌توانستند بمیرند، بسیار آسیب‌پذیر بودند. در این جامعه، شما در مورد یک گروه بسیار بسیار آسیب‌پذیر فکر می‌کنید.

و کودکان اغلب به این دلیل که هر لحظه ممکن است بمیرند، مورد توجه قرار می‌گیرند. به عنوان افرادی که هیچ ارزش قابل توجهی ندارند. کودکان نمی‌توانند به خانواده‌هایی که مزرعه دارند کمک کنند.

بچه‌ها نمی‌توانستند در رویدادهای دیگری که برای کمک به وضعیت اقتصادی خانواده معنادار بود، شرکت کنند. بنابراین، ارزش کودکان بسیار ناچیز بود. و این همچنین نگرش نسبت به کودکان را نشان می‌دهد.

علاوه بر این، باید این سنت را درک کرد. این یک سنت بود زیرا کودکان می‌توانستند از انواع بیماری‌هایی که از آنها ناشی می‌شد، بمیرند. این یک سنت بود که والدین گاهی فرزندان خود را نزد بزرگان و خاخام‌ها می‌بردند.

تا آنها را برکت دهند، دست خود را بر آنها بگذارند. و تقریباً مثل این است که، بیایید از خداوند بخواهیم که این کودکان را برکت دهد. تا بتوانند زنده بمانند و رشد کنند و موفق شوند.

این ایده بدی نیست. حتی امروز هم می‌بینم که پاپ فرانسیس انواع کودکان را لمس می‌کند. مردم می‌روند و کودکان را پیش او می‌آورند تا آنها را لمس کند.

اما توجه کنید که اینجا چه اتفاقی می‌افتد. در فرهنگی که مهمان‌نوازی جنبه‌ی متقابل دارد، کسانی که از آنها پذیرایی می‌کنید معمولاً کسانی هستند که با شما برابرند.

آنها همچنین گاهی اوقات از افراد شریف و محترم هستند، نه کودکان بی‌اهمیت. مردم شاید کودکان را نزد عیسی می‌آوردند تا او آنها را لمس کند. اگر کسی کودکان را بی‌ارزش و ناخواسته می‌دانست

و بنابراین آنها را از عیسی طرد کردند. آه، اما چقدر اشتباه می‌کردند. در چارچوب لوقا، انجیل برای مطرودین، برای به حاشیه رانده‌شدگان، برای افراد بی‌اهمیت، و همچنین برای ثروتمندان، قدرتمندان و افراد دارای رتبه اجتماعی بالا است.

در لوقا، انجیل برای همه است. کودکان نیز از قلم نیفتاده‌اند. و این مرا به نکات کلیدی می‌رساند که می‌خواهم در اینجا بر آنها تأکید کنم.

برای پایان این جلسه، شاگردان بچه‌ها را سرزنش کردند، شاید فکر می‌کردند که آنها بی‌ارزش هستند. اما می‌بینید، در پادشاهی خدا، باید مراقب باشیم که قضاوت خود را فراتر از آنچه خدا می‌خواهد در پادشاهی خود ببیند، انجام دهیم.

کودکان به صورت و شباهت خدا آفریده شده‌اند و برای خود خدا بسیار ارزشمندند. عیسی آنها را فرا می‌خواند تا کودکان را نزد او بیاورند. این کودکان که نالایق هستند، مانند سامری نیکوکار، مانند بیوه، الگوی برای کسانی خواهند شد که فکر می‌کنند در نحوه دریافت پادشاهی خدا شایسته هستند.

او می‌گوید پادشاهی خدا متعلق به نوزادانی مانند این است. شاید باید روشن کنم که در حالی که سایر انجیل‌های هم‌نوا درباره کودکان صحبت می‌کنند که نزد عیسی آورده می‌شوند، در لوقا، آنها ما هستیم، آنها نوزادانی هستند که نزد عیسی آورده می‌شوند. کسانی هستند که پیشنهاد کرده‌اند این گفتمان لوقا و سایر گفتمان‌ها باید خوانده شوند تا نشان دهند که شاید در این متن از تعمیم نوزادان حمایت شده است.

لطفاً، آیا می‌توانم پیشنهاد کنم که از چنین تفسیری خودداری کنیم، زیرا در این متن خاص چنین چیزی بیان نشده است؟ نکته‌ی لوقا این است: عیسی و رسالت پادشاهی خدا شامل نوزادان و کودکان می‌شود که حتی شاگردان خودش آنها را نالایق می‌دانستند. می‌دانید، من این سخنرانی را با یادآوری مسیر و آموزه‌های آمدن پسر انسان آغاز کردم، پس از آن عیسی به دو تمثیل دعا می‌پردازد که در پایان یکی از آنها می‌پرسد، آیا پسر انسان وقتی بیاید، ایمان خواهد یافت؟

در آن دو تمثیل دعا، او شاگردان را تشویق می‌کند که پافشاری در دعا را درک کنند و ببینند که خدا همیشه آماده است تا به آب دهان دعا پاسخ دهد. در تمثیل دیگری، او به شاگردانش در مورد فروتنی که باید در دعا به کار برد، یادآوری می‌کند. و سپس آخرین بخش یا عبارتی که در این سخنرانی خاص به آن نگاه می‌کنیم، به تلاش شاگردان برای محروم کردن کودکان یا نوزادان از آوردن آنها به نزد عیسی برای ما، شاید برای برکت یافتن توسط او، مربوط می‌شود.

به سه شخصیت کلیدی که در این سخنرانی خاص به عنوان الگو ظاهر شده‌اند، توجه کنید. یکی بیوه مطرود؛ دیگری باجگیر، گناهکار طبق معیارهای اجتماعی، و دیگری کودک، موجودی بی‌ارزش و بی‌اهمیت طبق معیارهای اجتماعی. خبر خوب این است: آنها مطرود نبودند، بی‌اهمیت نبودند، مطرودین اجتماعی نبودند، و شرکت‌کنندگان شایسته‌ای در پادشاهی خدا بودند.

آیا می‌توانید نگاهی به اطراف خود بیندازید و افرادی را ببینید که فکر می‌کنید شایسته‌ی عضویت در قوم خدا نیستند؟ آیا می‌توانید چشمان خود را باز کنید یا تصور کنید افرادی که عمداً از پیروان شایسته‌ی عیسی مسیح حذف کرده‌اید، شایسته‌ی تمام آنچه خدا برایشان دارد و می‌توانند توسط خدا برای لمس دنیای آسیب‌دیده به کار گرفته شوند؟ آیا می‌توانید شما را تشویق کنم که از طریق چشمان عیسی ببینید، در حالی که ما با پشتکار، دعا و فروتنی به دنبال او هستیم تا او چشمان ما را برای دیدن افراد اطرافمان باز کند؟ او ممکن است افکار و ذهن ما را پاک کند تا بتوانیم آنچه را که در افرادی که ما آنها را بی‌ارزش می‌دانیم می‌بیند ببینیم و ممکن است به ما قلبی بدهد تا کسانی را که فکر می‌کنیم بی‌ارزش هستند دوست داشته باشیم، در آغوش بگیریم و به آنها کمک کنیم. من دعا می‌کنم که خدا به ما فیض عطا کند تا من و شما بایستیم و مسئولیت را بر عهده بگیریم، همانطور که عیسی در راه خود به اورشلیم به تعلیم در مورد پادشاهی خدا ادامه داد، شاگردان و فریسیان خود را در آن زمان به چالش کشید و امروز ما را به چالش می‌کشد.

ما می‌توانیم به وظیفه خود عمل کنیم و به جهان نشان دهیم که عیسی که ما از او پیروی می‌کنیم، برای معنا بخشیدن به همه آمده است. گذشته از همه اینها، به قول یوحنا، خدا آنقدر جهان را دوست داشت که پسر یگانه خود را داد تا هر کس، بیوه، باجگیر، کودک، به او ایمان آورد، هلاک نشود، بلکه حیات جاودان یابد. باشد که خداوند شما را برکت دهد و به نام عیسی مسیح به شما فیض عطا کند. آمین.

این دکتر دانیل کی. دارکو و آموزه‌های او در مورد انجیل لوقا است. این جلسه شماره ۲۷، تمثیل‌هایی در مورد دعا، لوقا فصل ۱۷، آیه ۲۰ تا فصل ۱۸، آیه ۱۷ است.